

سیاست به‌مثابه معامله



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

با به قدرت رسیدن ترامپ، ایده‌های متفاوت در حال شکل‌گیری است؛ سیاست به‌مثابه معامله و مبادله، به عبارت دیگر، سیاست به‌مثابه بازار، یعنی اینکه صاحبان کسب‌وکارهای بزرگ، کارآفرینان و سرمایه‌داران بزرگ بهتر می‌توانند سیاست‌ورزی کنند. در این رویکرد، سیاست‌مداران حرفه‌ای و کارکشته، مسئله و مشکل کشور تلقی می‌شوند. آنها کسانی هستند که باعث اضمحلال زیست بهتر مردمان شده‌اند. پس بهتر است سیاست را از دست سیاست‌مداران نجات دهیم و به دست ثروتمندان بازار یا به‌اصطلاح کارآفرینان بسپاریم. اگر سیاست را به‌مثابه چانه‌زنی، کسب منفعت و سود بیشتر برای یک کشور در نظر بگیریم، پس همان‌هایی که در بازار موفق بوده‌اند، در عرصه سیاست نیز موفق می‌شوند. اگر سرمایه‌دار و صاحب کسب‌وکاری مانند ایلان ماسک در انتخابات اخیر آمریکا بر سلب‌ریتی‌های هنری (خوانندگان و بازیگران هالیوود) غلبه کرد، در عرصه سیاست هم می‌توان از چنین افرادی بهره گرفت. بر این اساس، آیا سیاست به‌مثابه حرفه که در ابتدای قرن بیستم ماکس وبر، جامعه‌شناس معروف آلمانی، در مقاله‌ای با عنوان سیاست به‌مثابه حرفه از آن سخن گفت، به پایان رسیده است؟ این ایده برای شهروندان آمریکایی جذاب به نظر رسیده است. از نظر آنها، سیاست را باید از دست سیاست‌مداران حرفه‌ای که ویژگی پنهان‌کنندگی و حيله‌گری دارند، نجات داد و به دست بازاریان سپرد؛ همان‌هایی که در معامله سرآمد هستند، شاید بتوانند در مبادله و دادوستد با دیگران و ایجاد ثروت، کشور را نیز ثروتمندتر کنند. فلیک اشتاین، جامعه‌شناس آمریکایی معاصر، در مقاله‌ای با عنوان بازار به‌مثابه سیاست، به دنبال این بود که نشان دهد در بازار مکانیسم‌های قدرت و سیاست چگونه کار می‌کنند؛ اما گویی امروز مسئله دگرگون شده است و سیاست به‌مثابه بازار تلقی می‌شود. هرچند سیاست بی‌ارتباط با اقتصاد نیست و به قول ماکس وبر، سیاست جهت اقتصادی دارد، یعنی بدون ملاحظات اقتصادی، سیاست‌گذاری ممکن نیست، اما ایده ترامپ و طرفدارانش این است که سیاست اساسا پدیده‌ای اقتصادی است. برخی انتخاب‌های ترامپ برای پست‌های سیاسی و دولتی نیز از این امر حکایت دارد. بسیار اندک بود که سرمایه‌داران و کارآفرینان بزرگ برای وزارت و سفارت انتخاب شوند. شاید ایده گری بکر، اقتصاددان معروف آمریکایی، در حال تحقق است که معتقد بود منطق بازاری و عقلانیت اقتصادی به عرصه‌هایی که اساسا اقتصادی نیستند گسترش یابد. به دیگر سخن، معیارهایی که این نوع عقلانیت اقتضا می‌کند، برای فهم و تحلیل عرصه‌هایی مانند خانواده، دوستی، نرخ مولید، هنر، اعتیاد و حتی سیاست به کار گرفته شود. باین حال، به نظر می‌رسد ترامپ و طرفدارانش یک گام پیش‌تر رفته‌اند و آن این است که بازاری‌ها و صاحبان کسب‌وکار باید سیاست را پیش ببرند. اما آیا این ایده کارآمد است؟ تضارش منافع ایجاد نمی‌کند؟ آیا دستاوردهایی خواهد داشت؟ جامعه را ثروتمندتر می‌کند؟ چه تبعاتی در نظام جهانی و برای سایر کشورها دارد؟ معامله با بی‌چیزان چه معنایی خواهد داشت؟ هانا آرنت معتقد بود در دوره یونان باستان سیاست‌ورزی، مشارکت در سیاست و اداره جامعه بر عهده کسانی بود که از الزامات اقتصادی و فعالیت‌های مبتنی بر معیشت دور بودند، یعنی کسانی که فعالیت‌های اقتصادی انجام نمی‌دادند. در ادامه این وضع تغییر کرد و امروز فعالیت‌های اقتصادی اساس زندگی مدرن را تشکیل می‌دهد و بیشتر وظایف و زمان شهروندان مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و شغلی است. ایده جدیدتر این است که صاحبان موفق مشاغل باید از بازار به سوی سیاست حرکت کنند تا جامعه را از دست سیاست‌مداران به‌اصطلاح کارکشته نجات دهند. مسئله نه تنظیم بازار توسط سیاست‌مداران بلکه تنظیم سیاست توسط بازاریان است. دوستی می‌گفت این ایده خوبی برای ایران است؛ حال که از برخی دولتمردان خیری به جامعه نرسیده است و سیاست‌مداران با تصمیم‌های نادرست، چالش‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی ایجاد کرده و جامعه را فقیرتر و نابرابرتر کرده‌اند، بهتر است سیاست را به صاحبان کسب‌وکارهای موفق سپرد. اما آیا در ایران، بخش خصوصی مستقل از سیاست‌مداران و دولتمردان وجود دارد؟ آیا کسب‌وکارهایی در کشور وجود دارند که بدون زودبند با بوروکراسی دولتی موفق شده باشند؟ آیا آنها از فرایند معامله و مبادله مبتنی بر رقابت، کسب‌وکارشان را جلو برده‌اند؟ آیا در ایران شرکت و بنگاهی با استقلال نسبی از سیاست‌مداران و موفق در سطح بین‌الملل وجود دارد؟ آیا بخش خصوصی، معامله در اقتصاد بازار را می‌داند یا درگیر بدبستان با برخی دولتمردان است؟ به نظر می‌رسد قبل از بحث و گفت‌وگو درباره این ایده، نیاز داریم سیاست بیشتر در جامعه حک شود؛ یعنی مردمی‌تر باشد.

دوشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۳
۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۶
۳۰ دسامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۳
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: فریدزاده؛ ملاک ارزبایی فیلم‌ها «شرع، قانون و اخلاق» است • حملات متقابل پاکستان و طالبان افغانستان ادامه دارد؛ دوستان دیروز، دشمنان امروز

چگونه سقوط اسد موازنه قدرت در کریدورهای ترانزیتی منطقه را تغییر می‌دهد؟

تغییر فاز انرژی

محمدرضا تهرانی؛ تحولات اخیر در خاورمیانه، به‌ویژه سقوط بشار اسد، رئیس‌جمهور پیشین سوریه، بازتعریفی اساسی در معادلات انرژی منطقه‌ای رقم زده است. از منظر نظریه رئالیسم، این تغییرات نمایانگر رقابتی شدید میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای کنترل منابع و مسیرهای انرژی است. سوریه، به دلیل موقعیت استراتژیک خود به‌عنوان یک گسولگاه کلیدی در انتقال انرژی، همواره کانون

توجه بازیگران ژئوپلیتیک بوده است. سوریه با وجود منابع محدود نفت و گاز، به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود، در نظم انرژی جهانی نقشی حیاتی ایفا می‌کند. این کشور در مرکز دو پروژه کلیدی قرار داشت که به‌طور مستقیم بر موازنه قدرت در منطقه تأثیر می‌گذاشتند:

۱. خط لوله ایران-عراق-سوریه؛ «مسیر انرژی به اروپا»؛ این پروژه

که به «خط لوله اسلامی» نیز معروف است، با هدف انتقال گاز طبیعی ایران از طریق سوریه به اروپا طراحی شد. در جولای ۲۰۱۱، دولت‌های سوریه، ایران و عراق توافق تاریخی برای اجرای این خط لوله به ارزش ۱۰ میلیارد دلار امضا کردند. این خط لوله از بندر عسلاویه ایران آغاز می‌شد، از دمشق عبور می‌کرد و در نهایت به مدیترانه می‌رسید.

گزارش تیریک‌راد صفحه ۴ بخوانید

فائزه هاشمی در گفت‌وگو با «شرق»

از سال‌های مدیریتش در ورزش گفت

من سدشکن و تابوشکن بودم

یادداشت

به نام نظارت، به کام محدودیت

پیش از هر چیز تشکرى داشته باشم «از آتانی» که در دفاع از حقوق قانونی مردم، زحمت چانه‌زنی را بر خود هموار کرده، گامی به جلو برداشته و با رفع فیلتر از دو پلتفرم گوگل‌پلی و واتس‌اپ، مصوبه غیرقانونی فیلترینگ را کمی به سمت «سوی «قانون» برگردانند؛ چراچه ترف کامل فیلترینگ راه پرده‌ست اندازی پیش‌رو دارند. باورکردنی نیست، درحالی‌که دنیا دارد به پنهانی باند اینترنت می‌افزاید، جماعتی از اعضای شورای عالی فضای مجازی ... هنوز اندر خم یک کوچه‌اند، باپشان را در یک کفش کرده، همه تان‌شان را در محدودکردن و قطع اینترنت و دفاع از فیلترینگ به کار گرفته می‌گیرند.

به برداشت من شهروند، تصمیم طرفه‌چکانی چند روز قبل این شورا پس از ماه‌ها انتظار، افکار عمومی را آن‌گونه که باید قانع نکرده و حاصلی جز ادامه محدودیت دربر نداشته است. سخن من شهروند خطاب به صاحب‌نظران حوزه فضای مجازی این است: برخورد با فضای مجازی و ایجاد محدودیت به بهانه مصونیت، راه‌حل قضیه نبوده و نیست. بیراهه نرویم! استفاده ۸۵ درصد شهروندان از فیلترشکن به حکایت آمار رسمی نشانگر چیست؟ جز این است که ادامه چنین سیاستی، جز سنگین‌ترکردن بار مالی شهروندان و از رونق انداختن میلیون‌ها کسب‌وکار و برکردن جیب مافیای فروش فیلترشکن و به تبع آن آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی، نتیجه‌ای دیگر به بار نخواهد آورد؟ تلاش برای محدودکردن اینترنت با پیچیدن چنین نسخه‌هایی نامهمخوان راه به جایی نخواهد برد. فضای مجازی فی‌نفسه تهدید نیست، فرصت است؛ مثل تمام دنیا مدیریت قوی، کاربلد، مستقل، آگاه و دنیادیده می‌خواهد و نقشه راه و پیش و پیش از همه اینها فرهنگ‌سازی، که تا این زمان بنسار علت‌ها و تحت تأثیر عامل‌ها و انگیزه‌های گوناگون که بحث و بررسی درباره آنها در این یادداشت‌ها

ایران در حالی چند ماه دیگر، سال ۱۴۰۴ را آغاز می‌کند که این سال می‌توانست یک نقطه عطف تاریخی برای توسعه و اقتدار ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران باشد. ۲۰ سال پیش (۱۳۸۳) سند توسعه‌ای بلندمدت در کشور با عنوان برطرمطبق «سند چشم‌انداز ۲۰ساله» یا «ایران در افق ۱۴۰۴»، به تصویب و ابلاغ رسید که مهم‌ترین هدف آن تبدیل ایران به کشور اول منطقه در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی، تجاری، اجتماعی، علمی، سیاسی و امنیتی بود. تأمل در آمار و گزارش‌های داخلی و مراجع مجامع معتبر بین‌المللی در بخش‌های مختلف از جمله رشد اقتصادی، نرخ تورم، رقابت‌پذیری، درجه آزادی اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت خارجی (کمی و کیفی)، سهولت کسب‌وکار، مبارزه با فساد، سطح رفاه، سرمایه اجتماعی و سطح همراهی با روندها و سازوکارهای فناورانه و ارتباطی، ایران در میان ۱۶

کشور غرب آسیا (با احتساب ترکیه، افغانستان و پاکستان) به طور متوسط رتبه‌ای بالاتر از ۱۰ را به خود اختصاص داده و تنها از منظر شاخص‌های فوق، شرایطی بهتر از افغانستان، عراق، سوریه و یمن را تجربه می‌کند. نکته قابل توجه اینکه فاصله ایران با پنج کشور اول منطقه در شاخص‌های فوق بسیار هم زیاد است. شاید این‌گونه تحلیل شود که منطقه غرب آسیا، منطقه‌ای واپس‌گرا و غیرتوسعه‌ای در مقایسه با مناطق دیگر است و ایران هم به عنوان کشوری در غرب آسیا از این شرایط مستثنا نیست. این تحلیل البته به سادگی قابل نقض است. شاید در گذشته نه چندان دور غرب آسیا این شرایط را تجربه می‌کرده اما واقعیت این است که در این منطقه کشورهایی نظیر قطر، امارات متحده عربی، عربستان و حتی عمان سال‌هاست از پوسته سخت توسعه‌نیافتگی جدا شده‌اند و امروزه در گزارش‌ها و رتنگینک‌های معتبر بین‌المللی در رتبه‌های بالای شاخص‌های کمی و کیفی توسعه‌ای قرار گرفته‌اند و در حال تجربه روندها و تحرکات توسعه‌ای بزرگی هستند. ترکیه نیز سال‌هاست خود را در زمره کشورهای نوظهور تثبیت کرده است. شاید برخی منتقدان بیان کنند که کشورهای مذکور ظاهر یا پوسته‌ای از توسعه را داشته و با توسعه واقعی فاصله دارند اما واقعیت این است که کشورهای پیشرو در منطقه غرب آسیا هم در سطح داخلی و هم در سطوح بین‌المللی با وجود برخورداری از ساختارهای سیاسی سنتی، تأثیرگذار و جریان‌ساز هستند. اولویت‌بخشی به توسعه‌گرایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های ناپایدار داخلی (نفت و گاز) و تبدیل این ظرفیت‌ها به سرمایه‌های



واکاوی دلایل ادعای غرامت ۳۰۰ میلیارد دلاری دمشق از تهران در گفت‌وگو با فلاح‌پیشه

درخواست غرامت از ایران فرار رو به جلو است

برگزیده‌ها

در صحن شورای شهر چه گذشت؛ از بی‌صاحب‌بودن آلودگی هوا تا گزارش عملکرد قرارگاه اجتماعی

سریال تکراری انتصاب مدیران بی‌هدف

جریان رادیکال برای تخریب دولت از فضای مجازی گرفته تا خیابان‌ها به دنبال آشوب و اغتشاش است

از لشکرکشی سایبری تا صف آراییی خیابانی

سازمان ملل می‌گوید هر روز یک کودک در غزه کشته می‌شود و آنها از سرما یخ می‌زنند

کودکان در غزه آرزوی مرگ می‌کنند

غیبت دایی و برومند در بازی بازگشایی «آزادی»

علی دایی را از دست داده‌ایم

نگاه

تعهد رئیس‌جمهور به سینماگران

یادداشتی از محمدمهدی عسگرپور

یک قاب تجربه

مخالفت‌های بی‌ثمر و پرهزینه



جلیل سازگارنژاد

تاریخ صد سال گذشته ایران روایتگر مخالفت‌های فکری و عقیدتی گروهی از چهره‌ها و نحله‌های مذهبی سا تکنولوژی و فناوری‌های نوین به‌ویژه در عرصه رسانه‌ها بوده است، مخالفت‌هایی که در بعضی از موارد حتی تا مرحله صدور فتوی و حرام‌دانستن استفاده از ابزارهای مذکور نیز کشیده شده است. به یاد دارم مرحوم پدرم نقل می‌کردند هنگامی که بلندگو و آمپلی‌فایر به ایران آمده بود، یکی از روحانیون مشهور شیراز که در مسجدی بزرگ اقامه نماز و سخنرانی می‌کرد، از سخن‌گفتن در بلندگو امتناع می‌کرد و آن را ندای شیطان می‌دانست. عده‌ای از همین تفکر استفاده کرده و گوش‌دادن به رادیو و مشاهده تلویزیون را ممنوع کردند. در خاطره‌ای دیگر آقای سیدمحمد خاتمی نقل می‌کرد که قبل از انقلاب هنگام بازدید تعدادی از علمای قم از مرحوم پدرشان «آیت‌الله روح‌اله خاتمی» در اردکان قصد داشته‌اند که رادیوی موجود در اتاق پذیرایی را پنهان کنند که پدرشان به شدت با این امر مخالفت و برداشتن آن از انتظار مهمانان را ریا قلمداد کرده است.

دوستان بزرگوار و همراهان عزیز

خواهر هدیه‌ای از پروردگار مهربان است که نقش وجودش زندگی هر انسانی را مملو از مهر و سرشار از نیکی می‌کند اما صفحه روزگار به گونه‌ای ورق خورد که خواهر مشفق و مهربورمان سر بر آسمان گذاشت و دعوت حق را لبیک گفت. باور داریم که خداوند آرزوم جو سایه‌اش بر حریم مهربان «رویا»ی ما گسترده خواهد بود. در این میان بی شک حضور شما بزرگواران و همیاران شفیق در همراهی با غم‌سترگ خانواده خسرو خاور تکیه‌گاه بی‌ماندگار و بی‌بدیل شد که قطعا حربه‌ی امن برای ناشکیبایی قلب ما به یادگار خواهد گذاشت. هرگز پناه و پناهگاه آغوش گرم شما را در این روزهای دشوار و پر غم فراموش نخواهیم کرد. از حضور شما در مراسم تشییع، مراسم سومین روز درگذشت و سایر مراسم یادبودی که برای مرحومه رویا خسرو خاور برگزار شد با همه وجود بسیارمیزاریم. در مقابل شکوه محبت شما سر تعظیم فرود می‌آوریم و برایتان از درگاه پروردگار بهروزی و بیروزی آرزوی می‌کنیم.

خانواده خسرو خاور

این گفت‌وگو در صفحهٔ یوتیوب «عشق آسمان قلبی» شرق

برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید



این گفت‌وگو در صفحهٔ یوتیوب «عشق آسمان قلبی» شرق

مهم‌تر صیانت از حقوق و آزادی‌های مدنی شهروندان حرف اول و آخر را می‌زند. یوپایی شبکه‌های اجتماعی نشانگر ظرفیت سرمایه اجتماعی ماست و میان این سرمایه بزرگ اجتماعی یعنی اعتماد عمومی و توسعه‌یافتگی در ابعاد مختلف و دموکراسی پایدار، بیوندی عمیق و ناگسستنی وجود دارد و از همین منظر، سیستم باید از به‌کارگیری سیاست عقیم‌سازی شبکه‌های اجتماعی پرهیز کرده و به ایجاد بسترسازی فرهنگی متناسب برای رشد و شکوفایی این مهم به منظور انباشت سرمایه اجتماعی (اعتماد عمومی)، همت گمارده و زمان را از دست ندهیم. تأمین و تضمین حق دسترسی و گردش آزاد اطلاعات در میان شهروندان یکی از وظایف مهم دولت است. ایران یکی از امضاکنندگان بیانیه «اصول و برنامه عمل» اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی ژنو در سال ۲۰۰۳ و تونس در سال ۲۰۰۵ است؛ از این‌رو تضمین حق دسترسی و گردش آزاد اطلاعات در میان شهروندان، در عرصه اطلاع‌رسانی، در زمره وظایف قانونی مسئولان است. ماده‌های ۳۱، ۳۰، ۳۲ و به‌ویژه ۳۳ منشور حقوق شهروندی نیز بر به رسمیت شناختن حقوق حقه شهروندان در این‌باره تأکید دارد: «دسترسی به فضای مجازی حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از سبویی شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است و ایجاد هرگونه محدودیت مانند فیلترینگ، پارازیت، کاهش سرعت و قطع شبکه بدون مستند قانونی صریح ممنوع است». این در حالی است که قانون اساسی در اصل‌های ۲۵، ۹ و ۲۹ چنین اجازهای را برای مسئولان در نداده‌وگفتن و محدودکردن حقوق مردم به رسمیت نمی‌شناسد.



علیرضا سلطانی

استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه

هزینه‌ای داشته است. در عین حال حادثه ۷ آکتبر و تحولات ژئوپلیتیکی منطقه پس از این حادثه در سطح منطقه غرب آسیا به‌خصوص تحولات سیاسی و امنیتی در لبنان و سوریه و همچنین بروز درگیری مستقیم میان ایران و اسرائیل، این رویکرد را تحت‌الشعاع قرار داد. هرچند ایران در راهبردی درست تلاش کرد سیاست منطقه‌ای خود در قبال تحولات سیاسی بعد از ۷ اکتبر را تا حد زیادی هماهنگ با کشورهای عربی و اسلامی منطقه دنبال کند اما در عمل سرعت و شدت تحولات منطقه‌ای در یک سال و چند ماه اخیر به‌خصوص در جبهه مقاومت، قدرت مانور ایران در سطح منطقه‌ای را کاهش داده است. با این شرایط به نظر می‌رسد حوادث ژئوپلیتیکی اخیر زمینه مناسبی برای بازتعریف سیاست منطقه‌ای ایران با درنظرگرفتن شرایط و متغیرهای جدید و در حال بروز ایجاد کرده است. سیاست منطقه‌ای جدید ایران به طور طبیعی باید بر مبنای ارتقای

قدرت ملی و افزایش قدرت مانور کشور با توجه به شاخص‌های عینی و واقعی قدرت به‌ویژه همگرایی اقتصادی و توسعه‌ای و کاهش متغیرهای سیاسی و امنیتی تعریف مجدد شود.

۴۳
ادامه‌در صفحه ۵